

بررسی نظریه تحریف قرآن

در فعل الخطاب حاجی نوری و ردیه‌های آن

دکتر محمد مهدی مفتاح

استادیار دانشگاه قم

انتشارات دانشکده
اصول الدین

وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ

مفتح، محمدهادی.

بررسی نظریه تحریف قرآن در فصل الخطاب حاجی نوری و ردیه‌های آن /

محمدهادی مفتح. -

تم: دانشکده اصول الدین، ۱۳۹۰.

۱۴۰ ص.

بها: ۲۵۰۰۰

ISBN: 978 - 600 - 5311 - 42 - 6

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. [۱۳۷] - ۱۳۸؛ همچنین به صورت زیر نویس.

۱. نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۲۵۴ - ۱۳۲۰ ق. فصل الخطاب فی تحریف الکتاب

- نقد و تفسیر.

۳. قرآن - دفاعیه‌ها و ردیه‌ها.

۲. قرآن - تحریف.

ب. فصل الخطاب فی تحریف الکتاب.

الف. عنوان.

۲۹۷/۱۵۹

BP ۸۹ / ۲ / ۷ م ۶۰۴۱

۱۳۹۰

نام کتاب : بررسی نظریه تحریف قرآن در فصل الخطاب حاجی نوری و ردیه‌های آن

مؤلف : محمدهادی مفتاح

ویراستار : معاونت پژوهشی دانشکده اصول الدین

نظارت : معاونت پژوهشی دانشکده اصول الدین

ناشر : انتشارات دانشکده اصول الدین

صفحه آرای : مرتضی بختیاری

نوبت و تاریخ چاپ : اول / تابستان / ۱۳۹۰

تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی : نینوا - قم

مراکز پخش:

- انتشارات دانشکده اصول الدین: قم. شن: ۷۷۳۵۲۵ داخلی ۱۲۵ و ۱۴۰، ۱۲۵ و ۱۴۰ نمابر

۷۷۳۵۳۸ صندوق پستی ۱۱۵۹-۳۷۱۹۵.

- مؤسسه علمی فرهنگی علامه عسکری (ره): قم. خیابان شهدا. ساختمان بعثت، تلفن

۰۷۷۴۴۳۹۹.

- دفتر مرکزی تهران: خیابان پاسداران، خیابان گل نبی، خیابان شهید نایق نوری،

بوستان کتاب واحد ۱۳. تلفن: ۰۲۱-۲۲۸۵۷۷۴۹-۵۰.

- کتابفروشی دار المصطفی: قم، خیابان ارم، پاساژ قدس، پلاک ۹۲ تلفن ۰۷۷۳۷۶۱۹.

<http://www.osool.ac.ir>

نشانی سایت دانشکده اصول الدین

ISBN 978-600-5311-42-6

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۱۱-۴۲-۶

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات.....	۱۵
بخش اول: معرفی مؤلف فصل الخطاب.....	۱۷
بخش دوم: انگیزه و ریشه تألیف کتاب فصل الخطاب.....	۲۹
بخش سوم: موضع علماء بزرگ شیعه در برابر کتاب فصل الخطاب.....	۳۶
فصل دوم: گزارش محتوای فصل الخطاب، ردیه ها و داوری.....	۴۱
بخش اول: فصل الخطاب؛ مقدمه ها.....	۴۳
مقدمه اول: خیف جمع قرآن.....	۴۳
جمع بندی و داوری.....	۴۳
مقدمه دوم: معانی تحریف قرآن و منای مورد نزاع.....	۴۴
جمع بندی و داوری.....	۴۵
مقدمه سوم: اسامی معتقدان به تحریف قرآن.....	۴۶
مناقشات و ردود مخالفان.....	۴۷
جمع بندی و داوری.....	۴۸
بخش دوم: فصل الخطاب، ادله تحریف.....	۵۱
دلیل اول: تشابه امت ها.....	۵۱
مناقشات و ردود مخالفان.....	۵۳
جمع بندی و داوری.....	۵۸
دلیل دوم: شیوه جمع قرآن.....	۶۴
مناقشات و ردود مخالفان.....	۶۶
جمع بندی و داوری.....	۷۷
دلیل سوم: آیات منسوخ التلاوة.....	۸۲
مناقشات و ردود مخالفان.....	۸۵
جمع بندی.....	۹۲
دلیل چهارم: مصحف علی بن ابی طالب علیه السلام	۹۲

- ۹۴.....مناقشات و ردود مخالفان
- ۹۵.....جمع بندی و داوری
- ۹۶.....دلیل پنجم: مصحف عبدالله بن مسعود
- ۹۸.....مناقشات و ردود مخالفان
- ۹۹.....جمع بندی و داوری
- ۹۹.....دلیل ششم: مصحف ابی بن کعب
- ۱۰۰.....مناقشات و ردود مخالفان
- ۱۰۰.....جمع بندی و داوری
- ۱۰۱.....دلیل هفتم: محو سایر مصاحف از سوی عثمان
- ۱۰۲.....مناقشات و ردود مخالفان
- ۱۰۳.....جمع بندی و داوری
- ۱۰۳.....دلیل هشتم: روایات تحریفی اهل تسنن
- ۱۰۴.....مناقشات و ردود مخالفان
- ۱۰۴.....جمع بندی و داوری
- ۱۰۵.....دلیل نهم: اسامی اهل بیت علیهم السلام در کتب انبیاء پیشین
- ۱۰۶.....مناقشات و ردود مخالفان
- ۱۰۸.....جمع بندی و داوری
- ۱۱۱.....دلیل دهم: قرائات مختلف قرآن
- ۱۱۲.....مناقشات و ردود مخالفان
- ۱۱۴.....جمع بندی و داوری
- ۱۱۶.....دلیل یازدهم: روایات شیعی دال بر تحریف، به صورت عام و دلی
- ۱۱۷.....دلیل دوازدهم: روایات شیعی دال بر تحریف، به صورت خاص و بره
- ۱۱۹.....مناقشات و ردود مخالفان
- ۱۳۳.....جمع بندی و داوری
- ۱۳۶.....خاتمه

مقدمه

نظریه - عریف قرآن، از نظریه‌هائی است که قدمتی به طول تاریخ تفکر اسلامی دارد. از قرن‌های پیش چنین اندیشه‌ای در جامعه علمی اسلامی دامن گستر بوده است. هم‌چنان که گروهی از عالمان و سب تشیع گرایشی به سوی این نظریه داشته‌اند، همان‌سان در میان دانشمندان مذهب سنی نیز می‌توان طرفدارانی برای آن یافت. دلیل عمده و اصلی چنین دیدگاهی در خصوص قرآن که در روایاتی است که دلالتی آشکار یا پنهان بر تحقّق این امر دارند، که صد البته این اخبار روایات هم در کتب حدیث امامیه به چشم می‌خورد، و هم در جوامع حدیثی عامّه.

آنچه اندیشورانی از جهان تشیع را به تکاپو داشت تا قلم به دست گرفته و پا به عرصه نبردی علمی در این خصوص بگذارند، دفاع از اهل بیت مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) در قبال این نظریه قرآنی بوده است. این عالمان در پی آن بودند تا ثابت کنند دلباختگان ثقل اصغر، به‌طور غالب اعتقادی به تحریف شدن ثقل اکبر ندارند؛ اگرچنانکه انگشت شمار دانشمندانی شیعه مسلک دارای چنین اعتقاد باطلی بوده باشند. زمینه ساز این دفاع عالمانه و جنگاوری اندیشمندان، کتابی بود که از سوی یکی از مشاهیر مؤلفان شیعه تألیف و نشر یافت، که در آن با تمسک به انبوهی از روایات امامی و عامی، در مقام اثبات محرّف بودن قرآن کریم برآمده بود، عملی که هرچند شاید با نیتی خیرخواهانه و به تصوّر احقاق حقّی پامال شده از اهل بیت صورت پذیرفت، لکن آنچنان لطمه‌ای جبران ناپذیر بر پیکر پیروان این مکتب حقّه وارد ساخت که به راحتی قابل جبران نخواهد بود.

حاجی میرزا حسین نوری طبری^۱ (۱۳۲۰ق) فردی است که با سابقه‌ای نمایان از تألیف کتب متعدد در دفاع از ارکان معتقدات شیعه امامیه، و البته با رویکردی اخباری مسلک، در تاریخ علماء معاصر نامی پرآوازه دارد. در ارزش‌گذاری تألیفات حاجی نوری، داوری داوران عالم تشیع آنچنان مختلف و گاه متضاد است که جامعی میان آنها نمی‌توان یافت؛ تا آنجا که در خصوص مهم‌ترین و مشهورترین اثر حدیثی او، که همان دوره‌ی «مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل» می‌باشد، به باور آخوند خراسانی هیچ مجتهدی برای فتوا دادن در مسئلای فقهی از مراجعه به آن بی‌نیاز نیست، حال آنکه امام خمینی به چنین جایگاهی برای این کتاب معتقد نیست.

آنچه تاکنون در حوزو و دانشگاهی، در خصوص نظریه تحریف قرآن مورد مطالعه، بحث و تدریس قرار گرفته است به طور عمده ارائه دلائلی قرآنی، روایی و تاریخی برای اثبات تحریف ناپذیری قرآن کریم بوده است؛ ممکن است به نظر بیاید که بیهوده تکلیف اثبات دعای عدم تحریف قرآن را بر عهده مدعیان آن نهاده‌اند، بلکه ادعای «محرّف بودن قرآن» محتاج استدلال است نه «عدم تحریف قرآن»! چرا که عدم تحریف مطابق اصل بوده و بی‌نیاز از ارائه دلیل می‌باشد. در پاسخ باید گفت آنچه برای علاقمندان به قرآن راهگشاست آن است که ادعای عدم تحریف قرآن تحریف‌شدنی نیست، نه که تنها تاکنون تحریف نشده است، و «تحریف ناپذیری قرآن»، با «عدم تحریف قرآن» که تنها بحثی تاریخی را می‌سزد متفاوت است.

۱ - نام ایشان به صورت «نوری طبرسی» شهرت دارد، لکن عنوان صحیح او همان «نوری طبری» می‌باشد. سرّ مسئله آن است که ایشان متولّد و اهل طبرستان (مازندران فعلی) بوده، و تعبیر صحیح در مورد انتساب به طبرستان «طبری» است نه «طبرسی». همانند منسوبان به افغانستان که به آنها «افغانی» گفته می‌شود نه افغانسی! یا منسوبان به گرجستان که گرجی خوانده می‌شوند نه گرجسی! کما اینکه عالمان مشهور دیگری که با عنوان طبری شهرت دارند (همانند ابن جریر طبری صاحب کتاب تفسیر معروف) همه از اهالی طبرستان (مازندران فعلی) می‌باشند.

تا امروز در مجامع علمی، هیچگاه به ادله طرفداران تحریف قرآن پرداخته نشده است. نه هیچ دانشجوی دانشگاه و نه هیچ طلبه حوزه علمیه، در سیر مطالعات تحصیلی خود، به تفصیل و به روشنی با دلائلی که افرادی همچون میرزای نوری را به این اندیشه سوق داده است آشنا نشده‌اند. نه شایسته است و نه با روح علمی سازگار، که حاجی نوری را متهم به گرایش اینچنین جدی نسبت به امری بدانیم که هیچ دلیلی برای اعتقاد به آن در دست نداشت، است. این تصور به معنای آن است که مشاهیر حوزه‌های علمی شیعی، گاه بدون آنکه به دلائلی که برای خود آنان اطمینان آور بوده باشد، باوری را به جد می‌پذیرند؛ و چنین امری خلاف ارزش‌هایی است که از تاریخ علم و عالمان دینی سراغ داریم.

نگارنده در طی دوره‌های تدریسی متعددی که در مقطع ارشد در دانشگاه‌های کشور داشته است، روشی را در تدریس مسئله نظریه تحریف قرآن در پیش گرفته، که همان شیوه مألوف حوزه‌های علمی شیعی در مینه فقه و اصول در دوره اجتهاد و صاحب‌نظر شدن^۱ می‌باشد. در این اسلوب علمی، محقق باسی ادله مدّعی را به نحو دقیق و صحیح مورد مطالعه قرار داده، سخنان منکران را نیز با دقت ارزیابی نماید، و در نهایت به جمع‌بندی نظرات طرفین، و نقض و ابرام‌های مطرح‌شده پرداخته، و با اعمال حکمیت و داوری منصفانه میان آنان، رأی خود را بر اساس قوت دلیل اختیار نماید.

کتاب حاضر حاصل همین تدریس‌ها است، که می‌تواند منبعی برای مقطع ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، و نیز سایر رشته‌های دانشگاهی مرتبط با آن قرار گیرد. در فصل اول این کتاب، با اطلاعاتی در خصوص شخصیت حاجی میرزا حسین نوری آشنا شده، و نیز نگاهی به سرگذشت کتاب فصل الخطاب در میان عالمان مکتب تشیع خواهیم افکند. در فصل دوم به شرح یکایک ادله حاجی نوری، و ایرادات وارده از سوی ردیه نویسان بر این ادله، و داوری میان نوری و مخالفانش خواهیم پرداخت.

لازم به ذکر است که ذکر اسامی و مطالب این عالمان، به این معنا نیست که تنها اینان هستند که به نفی نظریه تحریف و مناقشه در مطلوب حاجی نوری پرداخته‌اند؛ بلکه این بزرگان کسانی هستند که به رد یکایک ادله حاجی نوری اقدام کرده‌اند، و این همان چیزی است که با هدف این نوشته سازگار است. وگرنه بسیاری عالمان شیعی که بدون اشاره به نام و کتاب میرزای نوری، نظریه تحریف قرآن کریم را مورد مناقشه قرار داده‌اند. امیدوارم این کتاب بتواند گامی در راه روشن ساختن افکار و ادله قائلان به این نظریه سخیف برداشته، خوفی را که نام میرزا حسین نوری در دل طلاب، دانشجویان، و سایر آشنایان با او افکنده است زایل گرداند. چه که بسیار برخورد کرده‌ام با عالمانی که از بزرگی نام میرزای نوری، شهرت او در حوزه احادیث، در کنار این گزارش که او در کتاب فصل الخطاب با اسناد و بشر از هزار حدیث به اثبات محرف بودن قرآن موجود پرداخته است، لرزه بر اندام اعتقادشان انداخته، و در کوتاه‌ترین طریق، طلاب و دانشجویان را از نزدیک شدن به این کتاب و مطالعه آن بازداشته‌اند، مسلماً بدون آنکه خود به کتاب مراجعه کرده و میزان قوت احادیث و اسناد میرزا را سنجیده باشند.